عصاره، فریده؛ شهنی ییلاق، منیجه؛ نواح، عبدالرضا؛ کوهی رستمی، منصور (۱۳۹۶). طراحی و آزمون مدل تأثیر عوامل جامعه‌شناختی مبتنی بر نظریه بوردیو با میانجی‌گری سبک زندگی فرهنگی بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز. *پژوهش‌های نظری و کاربردی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی*، ۷ (۱)، ۱۰۸-۱۲۸.

طراحی و آزمون مدل تأثیر عوامل جامعه‌شناختی مبتنی بر نظریه بوردیو با میانجی‌گری سبک زندگی فرهنگی بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز

فریده عصاره، استاد گروه علم اطلاعات و دانش شناسی و مدیر قطب علمی مدیریت دانش دانشگاه شهید چمران اهواز،osareh.f@gmail.com

منیجه شهنی ییلاق، استاد گروه روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، mshehniyailagh@yahoo.com

عبدالرضا نواح، عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز،dr.navah1338@gmail.com

منصور کوهی رستمی(نویسنده مسؤل)، دکتری علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، rostami.mk@googlemail.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۸

دوفصلنامه| (علمی پژوهشی)
پژوهش‌های نظری و کاربردی در علم اطلاعات و دانش شناسی

شاپا (آنلاین): ۲۵۳۸-۴۱۱۲

http://infosci.um.ac.ir

سال ۷ (شماره ۱)
بهار و تابستان ۱۳۹۶

DOI: 10.22067/56436

چکیده:

مقدمه: *مطالعه به عنوان کنشی اجتماعی تنها توسط عوامل روانشناختی و آموزشی تبیین نمی‌شود، بلکه عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز بر روی آن تأثیر گذار هستند. هدف اصلی این پژوهش تبیین مدل تأثیر عوامل جامعه‌شناختی سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، جنسیت و تحصیلات با میانجی‌گری سبک زندگی فرهنگی بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز است.*

روش‌شناسی: *روش انجام پژوهش، همبستگی و از نوع تحلیل مدل معادلات ساختاری (SEM) است که یک روش همبستگی چند متغیری می‌باشد. پژوهش‌های متعدد در سطح جهان نشان داده‌اند که مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی و جامعه‌شناختی بر میزان و نوع مصرف کالاهای فرهنگی از جمله مطالعه تأثیرگذار هستند. با استفاده از نظریات جامعه‌شناختی و به‌ویژه نظریات بوردیو، مجموعه‌ای از عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر میزان مطالعه در قالب مدلی نظری ارائه شده است. در طراحی مدل پیشنهادی پژوهش، متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی،سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی اقتصادی، جنسیت و تحصیلات، متغیرهای مستقل؛ متغیر سبک زندگی فرهنگی به عنوان متغیر میانجی و میزان*

مطالعه به عنوان متغیر وابسته هستند. دوازده فرضیه مربوط به اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای جامعه شناختی بر روی میزان مطالعه در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: *مقادیر شاخص‌های برازندگی مربوط به الگوی پیشنهادی پژوهش حاکی از آن است که اکثر شاخص‌های برازندگی در مدل پیشنهادی پژوهش در حد مطلوبی قرار دارند که برازش این مدل تا حدود زیادی قابل قبول است. در خصوص فرضیه‌های مربوط به اثر مستقیم، یافته ها نشان داد که سرمایه‌ی فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سبک زندگی فرهنگی، جنسیت و تحصیلات اثر مستقیم مثبت بر میزان مطالعه‌ی شهروندان شهر اهواز دارند؛ و تنها سرمایه اقتصادی اثر مستقیم مثبت بر میزان مطالعه شهروندان اهواز ندارد. در خصوص فرضیه‌های مربوط به اثر غیرمسقیم، یافته ها نشان داد که سرمایه‌ی فرهنگی، سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و تحصیلات از طریق سبک زندگی فرهنگی اثر غیرمستقیم مثبت بر میزان مطالعه‌ی شهروندان شهر اهواز دارد؛ و تنها جنسیت از طریق سبک زندگی فرهنگی اثر غیرمستقیم مثبت بر میزان مطالعه‌ی شهروندان شهر اهواز ندارد.*

بحث و نتیجه‌گیری: *همسو با نتایج این پژوهش در مطالعات تجربی حوزه مطالعه، تأیید شده است که خواندن به تحصیلات و جنسیت وابسته است. همچنین عوامل جامعه‌شناختی، متغیر مستقل مهمی بر میزان مطالعه هستند. زیرا افراد در موقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی متفاوت دارای میزان متفاوتی از اوقات فراغت هستند. در هر صورت، می‌توان استدلال کرد که افرادی که متعلق به رده‌های اجتماعی بالاتر هستند و سرمایه فرهنگی بالاتری دارند، بیشتر می‌خوانند. بنابراین عوامل جامعه‌شناختی مثل سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سبک زندگی فرهنگی بر میزان و نوع مطالعه تأثیر قوی دارند. مطالعه بیش از آنکه عملی فردی باشد، فرایندی اجتماعی است. این کنش اجتماعی متأثر از عوامل مختلف زمینه‌ای و اجتماعی است که برای ترویج مطالعه بایستی این عوامل را در نظر گرفت. توضیح مطالعه از نگاه جامعه‌شناختی نه‌تنها عوامل اجتماعی که مطالعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند روشن می‌سازد، بلکه مطالعه را به‌عنوان شکل خاصی از تعامل اجتماعی و سرمایه فرهنگی به‌صورت جامع‌تری تحلیل می‌کند.*

کلیدواژه‌ها: *مطالعه، عوامل جامعه‌شناختی، سرمایه‌ی فرهنگی، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی اقتصادی، جنسیت، تحصیلات، سبک زندگی فرهنگی، شهر اهواز.*

مقدمه و بیان مسأله

خواندن راهی برای شناخت جهان علم و معرفت بشری است. به‌طور کلی، تلاش برای کسب آگاهی و تمایل ذاتی برای کامل شدن است. مراجعه به اندیشه‌های دیگران و خواندن آنچه دیگران در آثار خود مطرح کرده‌اند یکی از معمول‌ترین شیوه‌ها برای ارضای میل به آگاهی است. بخش اعظم آنچه انسان‌ها در طول زندگی خود و در طول تاریخ درک کرده و به‌منزله مجموعه آگاهی‌ها و دانسته‌های خود گردآوری نموده و به دیگران منتقل کرده‌اند در قالب نوشته‌ها (به‌ویژه کتاب‌ها) مکتوب شده و در دسترس می‌باشد (فتاحی، ۱۳۹۴). اما علی‌رغم نقش و جایگاه کنش مطالعه، روند کاهشی مطالعه در میان تمام اقشار مردم در پژوهش‌های مختلف به اثبات رسیده و به نگرانی‌هایی در این خصوص در سال‌های اخیر دامن زده است. کاهش مطالعه در دهه‌های اخیر در چندین مطالعه در کشورهای مختلف مستند شده است

Broek , 2003; Knulst and Kraaykamp, 1998; Griswold, McDonnell and Wright, 2005) (Toivonen, 2004; Knulst and.

البته پژوهش‌هایی هم وجود داشته (برای مثال Warde, Southerton, Olsen and Cheng, 2004) که نشان داده‌اند کاهش زمان اختصاص یافته برای مطالعه رویکرد بین‌المللی رایجی نیست. علی‌رغم کاهش ثبت شده در تمایل به مطالعه، کاهش مستندی در ارزش مطالعه مشاهده نشده است. براساس برخی مطالعات، بیش از ۶۰ درصد از مردم گزارش کرده‌اند که خواندن کتاب بسیار ارزشمندتر از تماشای تلویزیون است (Griswold et al, 2005). می‌توان گفت علی‌رغم کاهش سطح مطالعه و به‌ویژه خواندن کتاب در سطح بین‌المللی، مطالعه ارزش ذاتی خود را حفظ کرده است.

در ایران نیز هر از گاهی اخباری در مورد سرانه مطالعه، توسط مسئولان مختلف در رسانه‌ها منتشر می‌شود که البته گاه تفاوت‌های چشمگیری در میان آن‌ها وجود دارد. رسانه‌ای شدن این اخبار خود نشانه توجه گروهی از مسئولان به امر مطالعه و تلاش برای افزایش کمیت و کیفیت مطالعه در میان اقشار مختلف مردم است. با طرح سرانه مطالعه به‌عنوان شاخصی فرهنگی و نمود توسعه‌یافتگی، بحث‌های بسیاری پیرامون این موضوع شکل گرفت و آمارهای مختلفی از سوی سازمان‌های مختلف، نظیر کتابخانه ملی، شورای فرهنگ عمومی، سازمان ملی جوانان و نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور ارائه شد. عمده بحث‌های پیرامون سرانه مطالعه، نه در فضای علمی بلکه در فضای رسانه‌ای است (محبوب، ۱۳۹۱).

فارغ از تمام آمارها و ارقام متناقضی که منتشر می‌شود، در حالی‌که کنش مطالعه باید به‌عنوان عنصری اصلی در یادگیری، والاترین جایگاه را در گستره‌های فردی و اجتماعی به‌ویژه در میان نسل نوجوان و جوان داشته باشد، اما به‌دلایل گوناگونی، مطالعه از چنین موقعیتی در جامعه ما برخوردار نشده و هنوز به‌عنوان نیازی دائمی برای همگان مطرح نیست و عادت به مطالعه رواج نیافته است. این آمارها به‌خوبی نشان می‌دهد میزان مطالعه در ایران در سطح قابل قبولی نیست. این مسأله، ذهن بسیاری از محققان و مسئولان فرهنگی کشور را به خود مشغول کرده است. برخلاف تفاوت‌های نظری درباره اینکه چه چیز را باید مطالعه به‌حساب آوریم، در یک نکته توافق عمومی وجود دارد و آن نارضایتی از میزان مطالعه در جامعه ایران است. جامعه علمی برای ارتقا و برطرف کردن موانع توسعه مطالعه، طرح‌های تحقیقاتی متعددی را به اجرا درآورده است. برخی ضعف گسترش مطالعه را به امور روبنایی و برخی دیگر به امور زیربنایی مرتبط می‌دانند و بر همین اساس برای کاهش آسیب‌ها و توسعه کنش مطالعه، پیشنهادها و راهکارهای متعددی ارائه کرده‌اند.

در این میان، آنچه علاوه بر سنجش میزان مطالعه بیش از همه مدنظر است، سبک زندگی فرهنگی افراد است؛ اکنون این سؤال مطرح است که با شکل‌گیری انواع سبک‌های زندگی تحت تأثیر مصارف رسانه‌ای، فعالیت‌های فراغتی، سلیقه‌ها و گرایشات فردی، وضعیت مطالعه چه شکلی به خود گرفته است؟ به عبارت دیگر، مطالعه به‌عنوان فعالیتی فرهنگی و مصرف منابع اطلاعاتی به‌عنوان کالاهای فرهنگی چه شکلی به خود گرفته است و در کدام یا کدامین سبک‌های زندگی معنا و جایگاه خود را پیدا نموده است؟ اهمیت سبک زندگی فرهنگی در تحلیل مطالعه، بدین خاطر است که در جامعه بسیاری از افراد، بخشی از زمان فراغت خود را به مطالعه اختصاص می‌دهند و به‌نوبه خود مجموعه‌ای از رفتارها و کردارهای فرهنگی را همراه با ترجیحات و ذائقه‌های گوناگون شکل می‌دهند که از آن می‌توان به‌عنوان «سبک مصرف منابع اطلاعاتی» نام برد که طبیعتاً بر شکل‌گیری آن منابع و عوامل مختلف تأثیرگذار خواهد بود. بحث توصیف و تبیین مطالعه و مصرف منابع اطلاعاتی، حاوی دو نکته است: نخست آنکه در سبک زندگی فرهنگی و مطالعه افراد باید به‌دنبال تنوع و گوناگونی بود. دوم آنکه، گرچه سبک زندگی افراد بر مبنای ذائقه‌ها و ارزش‌های شخصی شکل می‌گیرد، اما می‌توان انتظار داشت که الگوهای قابل تشخیصی وجود داشته باشد که به تعبیر بوردیو[1] با سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و همچنین جنسیت و تحصیلات آنان همخوان باشد.

بوردیو جامعه‌شناس بزرگ فرانسوی تنها جامعه‌شناسی است که در میان صاحب‌نظران جدید، بنیان نظری محکمی برای تحلیل پدیده مصرف، ارائه کرده است. عمده‌ترین میراث نظریات بوردیو جامعه‌شناسی مصرف و تحلیل سبک‌های زندگی، تحلیل ترکیب انواع سرمایه برای تبیین الگوهای مصرف، بررسی فرضیه تمایز طبقات از طریق الگوهای مصرف و مبنای طبقاتی سلایق و مصرف فرهنگی است. بوردیو در تحلیل‌های جامعه‌شناختی اثر ادبی و هنری بر ابعاد خرد و کلان (عاملیت[2] و ساختار[3]) تأکید می‌کند. او معتقد است که هم ساختار عینی (زمینه) و هم عاملیت (ساختمان ذهنی) در تولید اثر ادبی مؤثرند، نگرش دیالکتیکی بین عاملیت و ساختار و مصرف کالاهای فرهنگی به‌عنوان عنصر تمایز طبقاتی از شاخص‌های عمده‌ای است که جامعه‌شناسی ادبی بوردیو را از سایرین مجزا می‌کند. از نظر بوردیو، زمینه‌های تاریخی در ایجاد انواع، شکل‌ها، دوره‌ها، مکاتب و جنبش‌های هنری تأثیر دارد و ذائقه ادبی محصول نحوه اجتماعی شدن فرد در خانه و مدرسه، پایگاه اجتماعی او، نهادهای

1. Bourdue
2. agency
3. structure

ادبی و تغییرات فنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه است.

بوردیو درصدد است که نوعی تعادل میان عاملیت و ساختار برقرار کند، یعنی فضای اجتماعی را به‌گونه‌ای تحلیل کند که هم سهم کنش‌های ارادی عاملان انسانی در آن لحاظ شده باشد، هم سهم ساختارها. یکی از مفاهیم کلیدی بوردیو مفهوم میدان[1] است. این مفهوم حداقل در بخشی از ویژگی‌های خود متأثر از دیدگاه روانشناسی کورت لوین[2] است، نگرشی که رفتار فرد را محصول محیط و شخص می‌داند (رفیع‌پور، ۱۳۷۳: ۹). براساس این مفهوم عاملان در خلأ عمل نمی‌کنند، بلکه در موقعیت‌های اجتماعی عینی قرار دارند و در آن دست به کنش می‌زنند. در این راستا بوردیو قائل به «عادات»، «خصایص» و «خلق و خوهایی» است که از آن به‌عنوان عادت‌واره[3] یاد می‌کند و معتقد است که فاعلان الگوهای رفتاری خود را براساس آن سازمان می‌دهند (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۹۷). از این‌رو عادت‌واره هم مبین رفتار فردی است و هم مبین شکلی از زندگی و نوع فضا یا جو اجتماعی که در هیأت مجموعه‌ای از رسوم و نهادهای جمعی عینیت یافته است.

بوردیو عادت‌واره را با مفهوم دیگری به نام ذائقه[4] پیوند می‌زند که نظامی از رویه‌های ادراک و ارزیابی است که محصول منش می‌باشد (بوردیو، ۱۳۸۰). ذائقه، ترجیح‌های زیباشناختی گروه‌های گوناگون جامعه است و آن سلیقه‌ای است که سبب می‌شود گروه‌ها و قشرهای مختلف جامعه انتخاب‌های متفاوتی داشته باشند. ذائقه عبارت است از: «گرایش اکتسابی برای تمایز قائل شدن میان فرآورده‌های گوناگون فرهنگی و زیبایی‌شناختی و ارزش متفاوت قائل شدن برای آنها» (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۲۷).

در تحلیل‌های بوردیو عموماً از چهار سرمایه اصلی، سرمایه اقتصادی[5]، سرمایه فرهنگی[6]، سرمایه اجتماعی[7] و سرمایه نمادین[8] استفاده می‌گردد. گرچه وی بعضاً از دیگر سرمایه‌هایی چون؛ سرمایه نیروی فیزیکی، سرمایه اطلاعاتی، سرمایه قضایی، سرمایه سیاسی و ... نیز در تحلیل‌های خود استفاده می‌کند، در اینجا به تشریح چهار سرمایه اصلی بوردیو (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین) پرداخته می‌شود:

الف- سرمایه اجتماعی: عضویت در گروه‌های اجتماعی یا خانوادگی و خویشاوندی؛ سرمایه

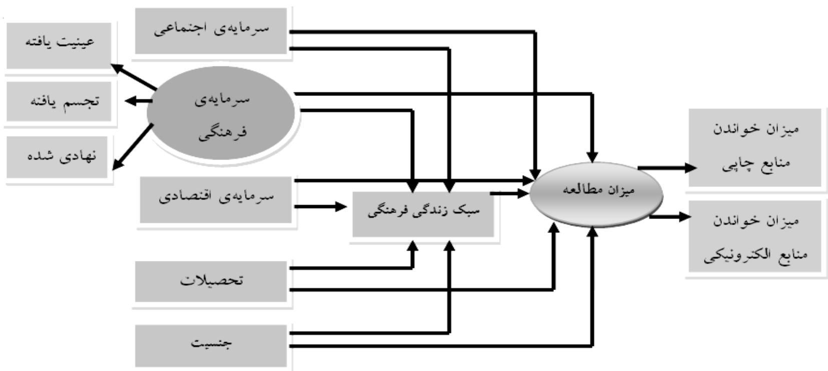
ب- سرمایه نمادین: آوازه، شهرت و به‌طور کلی خصوصیات اخلاقی.

1. Field
2. Kurt Lewin
3. Habitus
4. taste
5. economic capital
6. cultural capital
7. social capital
8. Symbolic Capital

ج- سرمایه فرهنگی: خصوصیات فکری، تربیتی و آموزشی، کالاها و مهارت‌های فرهنگی؛ و

د- اقتصادی: انواع دارایی مالی و مادی شامل مالکیت خصوصی یا عمومی؛

لذا در این پژوهش نیز با استفاده از نظریات جامعه‌شناختی و به‌ویژه نظریات بوردیو، مجموعه‌ای از عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر میزان مطالعه در قالب مدلی نظری ارائه شده است. در طراحی مدل پیشنهادی پژوهش، متغیرهای سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، جنسیت و تحصیلات، متغیرهای مستقل؛ متغیر سبک زندگی فرهنگی به‌عنوان متغیر میانجی و میزان مطالعه به‌عنوان متغیر وابسته هستند. لذا می‌توان بر مبنای آنچه گفته شد مدلی نظری برای تبیین موضوع پژوهش حاضر بنا کرد (شکل ۱).



شکل ۱. مدل تأثیر عوامل جامعه‌شناختی بر میزان مطالعه

هدف اصلی پژوهش

هدف اصلی این پژوهش تبیین مدل تأثیر عوامل جامعه‌شناختی سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، جنسیت و تحصیلات با میانجی‌گری سبک زندگی فرهنگی بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز است.

اهداف ویژه پژوهش

برخی از اهداف ویژه پژوهش عبارتند از:

- تعیین اثر مستقیم سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، جنسیت، و تحصیلات بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز؛
- تعیین اثر غیرمستقیم سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، جنسیت، و تحصیلات بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز از طریق سبک زندگی فرهنگی؛
- تعیین اثر سبک زندگی فرهنگی بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز.

فرضیه کلی پژوهش

الگوی پیشنهادی برازنده داده‌هاست.

فرضیه‌های مربوط به اثر مستقیم

فرضیه اول: سرمایه فرهنگی اثر مستقیم مثبت بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز دارد.

فرضیه دوم: سرمایه اجتماعی اثر مستقیم مثبت بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز دارد.

فرضیه سوم: سرمایه اقتصادی اثر مستقیم مثبت بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز دارد.

فرضیه چهارم: جنسیت اثر مستقیم مثبت بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز دارد.

فرضیه پنجم: تحصیلات اثر مستقیم مثبت بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز دارد.

فرضیه ششم: سبک زندگی فرهنگی اثر مستقیم مثبت بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز دارد.

فرضیه هفتم: سرمایه فرهنگی از طریق سبک زندگی فرهنگی اثر غیرمستقیم مثبت بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز دارد.

فرضیه هشتم: سرمایه اجتماعی از طریق سبک زندگی فرهنگی اثر غیرمستقیم مثبت بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز دارد.

فرضیه نهم: سرمایه اقتصادی از طریق سبک زندگی فرهنگی اثر غیرمستقیم مثبت بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز دارد.

فرضیه دهم: جنسیت از طریق سبک زندگی فرهنگی اثر غیرمستقیم مثبت بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز دارد.

فرضیه یازدهم: تحصیلات از طریق سبک زندگی فرهنگی اثر غیرمستقیم مثبت بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز دارد.

روش پژوهش

روش انجام پژوهش، همبستگی و از نوع تحلیل مدل معادلات ساختاری[1] (SEM) است که یک روش همبستگی چند متغیری می‌باشد. از جمله تحقیقاتی که در آنها ماتریس همبستگی یا کوواریانس تحلیل می‌شود، تحلیل عاملی و تحلیل مدل معادلات ساختاری است. الگویابی معادلات ساختاری یک رویکرد آماری جامع برای آزمون فرضیه‌ها درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و مکنون می‌باشد که با عناوین مختلفی نظیر تحلیل ساختاری کوواریانس، تحلیل مسیر با متغیرهای مکنون، مدل‌یابی علی و گاه

1. SEM: Structural Equation Modeling

نیز لیزرل نامیده می‌شود. اما اصطلاح غالب در این روزها الگویابی معادلات ساختاری (SEM) می‌باشد. این روش می‌تواند مدل‌های سنتی را مورد آزمون قرار دهد و در عین حال امکان بررسی روابط و مدل‌های پیچیده‌تری مانند تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل سری‌های زمانی را نیز فراهم آورده و کاربرد داده‌های همبستگی، آزمایشی و غیرآزمایشی را برای تعیین میزان موجه بودن مدل‌های نظری یک جامعه به‌خصوص امکان‌پذیر سازد (هومن، ۱۳۸۴).

جامعه پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه افراد ۱۵ سال به بالای مناطق هفتگانه شهر اهواز در سال ۱۳۹۵ است. طبق سالنامه آماری شهر اهواز کل جمعیت محدوده شهرداری شهر اهواز ۱/۱۰۸/۷۸۰ نفر است. تعداد ۸۵۲/۷۷۶ نفر در گروه‌های سنی بالای ۱۵ سال قرار دارند (سالنامه آماری شهر اهواز، ۱۳۹۳) که برای دستیابی به نظرات آنها بایستی به نمونه‌ای معرف دست یافت. براساس فرمول کوکران حجم ۴۹۶ نفر به‌دست آمد که جهت اطمینان از برگشت پرسشنامه‌ها تعداد بیشتری پرسشنامه توزیع و در نهایت ۵۰۵ پرسشنامه برگشت داده شده مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش نمونه‌گیری احتمالی از نوع تصادفی چند مرحله[1] بوده است. ۵۴/۷ درصد از نمونه پژوهش را مردان و ۴۵/۳ درصد را زنان تشکیل داده بودند. ۱۸/۸ درصد از نمونه پژوهش در محدوده سنی ۱۵ تا ۲۴ سال، ۳۹/۴ درصد در محدوده سنی ۲۵ تا ۳۴ سال، ۲۴/۲ درصد در محدوده سنی ۳۵ تا ۴۴ سال، ۸/۵ درصد در محدوده سنی ۴۵ تا ۵۵ سال و ۵/۵ درصد نیز در محدوده سنی بالاتر از ۵۵ سال قرار داشتند. قوم عرب با ۱۹۱ نفر و قوم بختیاری با ۱۳۹ نفر بیشترین مشارکت را در پژوهش حاضر داشتند.

ابزار گردآوری داده‌ها

برای انجام پژوهش حاضر، با عنایت به اهداف و سؤالات مطرح شده، برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. برای سنجش متغیرهای مستقل از پرسشنامه‌های آماده و استاندارد از جمله: پرسشنامه سرمایه فرهنگی بوردیو، پرسشنامه سبک زندگی فرهنگی، پرسشنامه سرمایه اجتماعی، پرسشنامه سرمایه اقتصادی استفاده شده است. برای سنجش متغیر وابسته نیز پرسشنامه‌ای محقق ساخته استفاده گردید که در ادامه هر کدام از پرسشنامه‌ها همچنین روایی و پایایی آنها مورد بحث قرار خواهد گرفت.

1. multistage random sampling

پرسشنامه متغیر وابسته (میزان و نوع مطالعه)

با توجه به اهداف پژوهش براساس پرسشنامه‌های موجود از جمله پرسشنامه شورای فرهنگ عمومی (۱۳۹۱)، پرسشنامه اولیه متغیر وابسته پژوهش ساخته شد. روش‌های متعددی برای تعیین روایی ابزار اندازه‌گیری وجود دارد که یکی از آنها روایی محتوایی است. اعتبار محتوا ویژگی ساختاری ابزاری است که همزمان با تدوین آزمون در آن تنیده می‌شود. اعتبار محتوای یک آزمون معمولاً توسط افراد متخصص در موضوع مورد مطالعه تعیین می‌شود (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۶: ۱۹۵). لذا پرسشنامه اولیه پژوهش حاضر پس از بررسی و اصلاح توسط اساتید راهنما و مشاور، بین ۱۵ تن از اعضای هیأت علمی گروه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه‌های کشور توزیع گردید که پس از جمع‌آوری، پیشنهادهای آنان در تدوین پرسشنامه نهایی منظور گردید.

پرسشنامه سرمایه فرهنگی بوردیو

برای سنجش سرمایه فرهنگی از پرسشنامه سرمایه فرهنگی بوردیو استفاده شد. برای نمره‌گذاری سرمایه فرهنگی از یک مقیاس پنج درجه‌ای از نوع طیف لیکرت استفاده شده است. این پرسشنامه ۲۳ گویه دارد و هدف آن سنجش ارزش‌ها و نمودهای فرهنگی و هنری در سه مؤلفه: ۱- تجسم‌یافته، ۲- عینیت‌یافته و ۳- نهادی‌شده است. گویه‌های ۱ تا ۸ مربوط به سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، گویه‌های ۹ تا ۱۹ مربوط به سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و گویه‌های ۲۰ تا ۲۳ مربوط به سرمایه فرهنگی نهادی شده هستند. گرامی (۱۳۹۱) نیز ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را محاسبه کرد که ضریب آن برابر با ۰/۸۵۷ درصد به‌دست آمد. در این پژوهش نیز ضرایب پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش‌های آلفای کرونباخ، تنصیف[1] و گاتمن[2] محاسبه شد که در جدول ۳-۸ آمده است. همان‌طور که در جدول ۳-۸ مشاهده می‌شود، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰، ضریب تنصیف ۰/۸۷ و ضریب گاتمن ۰/۹۳ به‌دست آمد که بالا بودن این ضرایب حاکی از پایایی مطلوب پرسشنامه و ابعاد آن می‌باشد. در این پژوهش از روش تحلیل عامل تأییدی، برای تعیین روایی سازه‌ای این ابزار استفاده شده است.

1. Split Half
2. Guttman

جدول ۱. ضرایب پایایی پرسشنامه سرمایه فرهنگی بوردیو

مقیاس	تعداد گویه	آلفای کرونباخ	تنصیف	گاتمن
سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته	۸	۰/۸۰	۰/۷۲	۰/۸۰
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۱۱	۰/۸۴	۰/۸۲	۰/۸۵
سرمایه فرهنگی نهادی شده	۴	۰/۷۹	۰/۸۴	۰/۸۰
کل	۲۳	۰/۹۰	۰/۸۷	۰/۹۳

پرسشنامه سبک زندگی فرهنگی

برای سنجش این مؤلفه، از پرسشنامه سبک زندگی فرهنگی استفاده شد. برای نمره‌گذاری سبک زندگی فرهنگی از یک مقیاس پنج درجه‌ای از نوع طیف لیکرت استفاده شده است. این پرسشنامه ۲۲ گویه دارد و در سه بعد مصرف رسانه‌ای، فعالیت‌های فراغتی و سلایق فردی تدوین شده است. علیزاده اقدام و صالحی (۱۳۹۱) نیز ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را محاسبه کردند که ضریب آن برابر با ۰/۸۴ به‌دست آمد. در این پژوهش نیز ضریب پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ، تنصیف و گاتمن محاسبه شده است. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹، ضریب تنصیف ۰/۸۶ و ضریب گاتمن ۰/۹۱ برآورد شده است که بالا بودن این ضرایب حاکی از پایایی مطلوب این پرسشنامه می‌باشد. در این پژوهش از روش تحلیل عامل تأییدی، برای تعیین روایی سازه‌ای این ابزار استفاده شده است.

پرسشنامه سرمایه اجتماعی

از نظر بوردیو، پوتنام[1]، کلمن[2] و فوکویاما[3]، سرمایه اجتماعی شامل روابط متقابل، وجود هنجارهای مشترک، اعتماد و مشارکت در سطح گروه اجتماعی است. برای نمره‌گذاری سرمایه اجتماعی از یک مقیاس پنج درجه‌ای از نوع طیف لیکرت استفاده شده است. این پرسشنامه شامل ۲۰ گویه است و از سه خرده مقیاس مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی تشکیل شده است. شارع‌پور، ریاحی و آرمان (۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه را محاسبه کردند که مقدار آن برابر با ۸۵/. به‌دست آمد. در این پژوهش نیز ضرایب پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش‌های آلفای کرونباخ، تنصیف و گاتمن محاسبه شده است. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸، ضریب تنصیف ۰/۸۷ و ضریب گاتمن

1. Putnam
2. Coleman
3. Fukuyama

۰/۹۱ برآورد شده است که بالا بودن این ضرایب حاکی از پایایی مطلوب پرسشنامه می‌باشد. در این پژوهش از روش تحلیل عامل تأییدی، برای تعیین روایی سازه‌ای این ابزار استفاده شده است.

پرسشنامه سرمایه اقتصادی

سرمایه اقتصادی یکی از متغیرهای مستقل این تحقیق است. برای سنجش این سرمایه سه گویه به‌کار گرفته شد. شاخص‌های سرمایه اقتصادی شامل میزان درآمد خانواده، ارزش ریالی منزل مسکونی و ارزش ریالی ماشین شخصی بود. در این پژوهش، پایایی پرسشنامه با استفاده از روش‌های آلفای کرونباخ، تنصیف و گاتمن محاسبه شده است. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۵، ضریب تنصیف ۰/۷۳ و ضریب گاتمن ۰/۷۵ برآورد شده است که بالا بودن این ضرایب حاکی از پایایی مطلوب این پرسشنامه می‌باشد. در این پژوهش از روش تحلیل عامل تأییدی، برای تعیین روایی سازه‌ای این ابزار استفاده شده است.

روش تجزیه وتحلیل داده‌ها

در این پژوهش از روش‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری برای روابط کلی متغیرهای برون‌زاد و درون‌زاد استفاده خواهد شد. جهت آزمودن اثرهای غیرمستقیم در الگوی پیشنهادی از روش خود راه‌انداز[۱] و جهت تعیین برازش الگوی پیشنهادی داده‌ها، از ترکیبی از شاخص‌های مختلف برازندگی استفاده خواهد شد: ۱. مقدار مجذور کای[۲] (x^2)، ۲. شاخص هنجار شده مجذور کای[۳] (نسبت مجذور کای بر درجات آزادی)، ۳. شاخص نیکویی برازش[۴] (GFI)، ۴. شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته[۵] (AGFI)، ۵. شاخص برازندگی هنجارشده[۶] (NFI)، ۶. شاخص برازندگی تطبیقی[۷] (CFI)، ۷. شاخص برازندگی افزایشی[۸] (IFI)، ۸ شاخص توکر–لویس[۹] (IFI) و ۹. جذر میانگین مجذورات خطای تقریب[۱۰] (RMSEA) (ارشدی، ۱۳۸۶). لازم به ذکر است که تمامی تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس[۱۱] ویراست ۲۳ و آموس[۱] ویراست ۱۸ انجام شده است.

1. Bootstrap
2. Chi- Square
3. normedx^2 measure
4. goodness-of-fit index
5. adjusted goodness-of-fit index
6. normed fit index
7. comparative fit index
8. incremental fit index
9. Tucker-Lewis index
10. root-mean-square error of approximation
11. SPSS

یافته‌ها

ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۲ آورده شده است. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مقادیر ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در سطوح $P< ۰/۰۱$ و $P < ۰/۰۵$ آورده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود اکثر ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار هستند. با این حال رابطه جنسیت با تحصیلات، سرمایه اقتصادی و میزان مطالعه معنی‌دار نشده است. لازم به ذکر است روابطی که معنی‌دار نشدند در جدول با اعداد ایتالیک مشخص شده‌اند. روابط معنی‌دار با علامت * (در سطح ۰/۰۵) و علامت ** (در سطح ۰/۰۱) معنی‌دار هستند.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	جنسیت	تحصیلات	نهادی شده	تجسم‌یافته	عینیت یافته	سرمایه فرهنگی	سرمایه اجتماعی	سبک زندگی	سرمایه اقتصادی	مطالعه
جنسیت	۱									
تحصیلات	۰۰	۱								
نهادی شده	۰/۹۳*	۰/۳۵۵**	۱							
تجسم‌یافته	۰/۱۱۲*	۰/۴۸۴**	۰/۴۸۷**	۱						
عینیت یافته	۰/۲۳۶**	۰/۴۶۱**	۰/۴۰۵**	۰/۷۷۳**	۱					
سرمایه فرهنگی	۰/۱۹۱**	۰/۵۱۷**	۰/۶۵۱**	۰/۹۱۱**	۰/۹۲۵**	۱				
سرمایه اجتماعی	۰/۱۰۲*	۰/۱۵۵**	۰/۱۳۳**	۰/۲۹۲**	۰/۳۲۲**	۰/۳۱۵**	۱			
سبک زندگی	۰/۲۱۸**	۰/۴۲۲**	۰/۴۰۳**	۰/۷۶۴**	۰/۸۸۹**	۰/۸۶۳**	۰/۳۷۸**	۱		
سرمایه اقتصادی	۰/۰۰۴	۰/۳۴۰**	۰/۳۷۷**	۰/۲۳۷**	۰/۲۲۹**	۰/۳۰۷**	۰/۱۰۵*	۰/۱۹۵**	۱	
مطالعه	۰/۰۰۴	۰/۲۷۳**	۰/۱۲۴**	۰/۲۸۴**	۰/۳۰۱**	۰/۲۹۹**	۰/۱۵۷**	۰/۲۹۱**	۰/۲۲۸**	۱

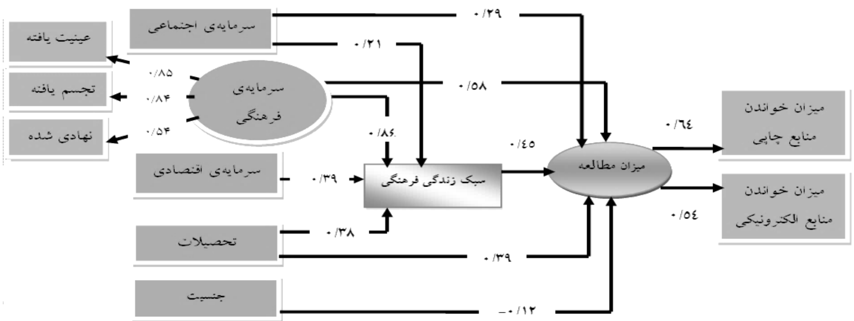
1. AMOS

الگوی معادلات ساختاری

جهت ارزیابی الگوی پیشنهادی از روش الگویابی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد. پیش از بررسی ضرایب ساختاری، برازندگی الگوی اولیه براساس شاخص‌های برازندگی الگو مورد استفاده قرار گرفت. برازش الگوی اولیه براساس شاخص‌های برازندگی مورد استفاده در این مطالعه، در جدول ۳ گزارش شده است. با این وجود که مقادیر برخی شاخص‌های برازندگی حاکی از برازش نسبتاً خوب الگوی پیشنهادی با داده‌ها بودند، اما مقادیر برخی از شاخص‌ها نشان داد که این الگو نیاز به بهبود دارد. به‌منظور ارتقاء برازندگی ابتدا مسیرهای غیر معنی‌دار حذف شدند (مسیرهای خط‌چین در شکل ۲). پس از اعمال تغییرات یک تحلیل دیگر روی داده‌ها انجام گرفت و شاخص‌های برازندگی مدل اصلاح شده استخراج شد (جدول ۳). آن‌گونه که انتظار می‌رفت، شاخص‌های برازندگی در برازش الگوی دوم بهبود یافتند. به‌منظور کاهش بیشتر مقدار مجذور کای، در گام بعدی از میان شاخص‌های اصلاحی پیشنهادی نرم‌افزار آموس تنها به انجام یک مورد اصلاحات اکتفا شد. حاصل تغییرات اخیر الگوی سوم یا الگوی اصلاح شده نهایی (شکل ۲) بود که برازش آن با داده‌ها براساس شاخص‌های برازندگی در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. شاخص‌های برازندگی الگوی پژوهش

شاخص / الگو	x^2	df	x^2/df	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	NFI	RMSEA
الگوی اصلی	۸۹/۹۷۲	۱۹	۴/۷۳	۰/۹۶	۰/۹۰	۰/۹۵	۰/۸۸	۰/۹۵	۰/۹۳	۰/۰۸۷
الگوی اصلاح شده اول	۸۷/۲۱۳	۲۳	۳/۷۹	۰/۹۶	۰/۹۱	۰/۹۵	۰/۹۰	۰/۹۵	۰/۹۴	۰/۰۸۰
الگوی اصلاح شده نهایی	۷۰/۷۵۷	۲۲	۳/۲۱	۰/۹۷	۰/۹۲	۰/۹۶	۰/۹۱	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۰۶۶



شکل ۲. الگوی نهایی تأثیر عوامل جامعه‌شناختی بر میزان مطالعه

مسیرها و ضرایب استاندارد آنها در جدول ۴ نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تمامی مسیرها معنی‌دار هستند که نشان‌دهنده تأیید فرضیه‌های اول، دوم، چهارم، پنجم و ششم می‌باشد. و تنها فرضیه سوم پژوهش تأیید نگردید.

جدول ۴. الگوی ساختاری: مسیرها و ضرایب استاندارد آنها در الگوی نهایی

مسیرها	مدل اولیه		مدل نهایی	
	β	سطح معنی‌داری	β	سطح معنی‌داری
سرمایه‌ی فرهنگی ← میزان مطالعه	۰/۵۳	۰/۰۱۹	۰/۵۸	۰/۰۱۲
سرمایه‌ی اقتصادی ← میزان مطالعه	۰/۰۱۲	۰/۳۱	مسیر حذف شده	
تحصیلات ← میزان مطالعه	۰/۳۸	۰/۰۱۲	۰/۳۹	۰/۰۰۹
جنسیت ← میزان مطالعه	-۰/۱۰	۰/۰۳۸	-۰/۱۲	۰/۰۳۴
سبک زندگی فرهنگی ← میزان مطالعه	۰/۴۳	۰/۰۲۵	۰/۴۵	۰/۰۲۱
سرمایه‌ی اجتماعی ← میزان مطالعه	۰/۲۸	۰/۰۲۰	۰/۲۹	۰/۰۲۰

به‌منظور آزمون روابط واسطه‌ای الگوی ساختاری از آزمون بوت استراپ استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۵ آمده است. نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد که مسیر سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و تحصیلات از طریق میانجی سبک زندگی فرهنگی بر میزان مطالعه در سطح آماری $P< ۰/۰۵$ معنی‌دار تنها مسیر جنسیت در سطح آماری $P< ۰/۰۵$ معنی‌دار نیستند. این نتایج نشان می‌دهد که فرضیه هفتم، هشتم، نهم و یازدهم تأیید می‌گردند و فرضیه دهم رد می‌گردند.

جدول ۵. نتایج بوت استراپ مسیرهای واسطه‌ای

پارامتر / مسیر	برآورد استاندارد (β)	بوت استارپ: حد پایین	بوت استارپ: حد بالا	سطح معنی‌داری (P)
سرمایه فرهنگی ← سبک زندگی فرهنگی ←میزان مطالعه	۰/۴۱	۰/۲۴	۱/۱۲	۰/۰۲۰
سرمایه اجتماعی ← سبک زندگی فرهنگی ←میزان مطالعه	۰/۱۸	۰/۱۲	۱/۰۲	۰/۰۱۴
سرمایه اقتصادی ← سبک زندگی فرهنگی ←میزان مطالعه	۰/۲۳	۰/۱۱	۰/۵۴	۰/۰۴۱
جنسیت ← سبک زندگی فرهنگی ←میزان مطالعه	۰/۰۶	-۰/۵۶	۰/۳۲	۰/۶۶
تحصیلات ← سبک زندگی فرهنگی ←میزان مطالعه	۰/۲۴	۰/۲۰	۱/۰۸	۰/۰۱۰

نتیجه

همان‌گونه که بیان شد هدف اصلی این پژوهش تبیین مدل تأثیر عوامل جامعه‌شناختی با میانجی‌گری سبک زندگی فرهنگی بر میزان مطالعه شهروندان شهر اهواز است. پژوهش‌های متعدد در سطح جهان نشان داده‌اند که مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی و جامعه‌شناختی بر میزان و نوع مصرف کالاهای فرهنگی از جمله مطالعه تأثیرگذار هستند. عوامل جمعیت‌شناختی مثل سن، جنسیت، تحصیلات و عوامل جامعه‌شناختی مثل سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سبک زندگی فرهنگی بر میزان و نوع مطالعه تأثیرگذارند. در این پژوهش برگرفته از آرای دانشمندان جامعه‌شناسی در حوزه مصرف فرهنگی و به‌ویژه بوردیو، مجموعه‌ای از عوامل جامعه‌شناختی اثرگذار بر میزان مطالعه در بین شهروندان اهواز مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که تبیین تمامی یافته‌ها در این مقاله امکان‌پذیر نیست در ادامه به اشاراتی کلی اکتفا می‌گردد.

در خصوص اثرات مستقیم عوامل جامعه‌شناختی بر میزان مطالعه، به‌جز متغیر سرمایه اقتصادی سایر متغیرها دارای تأثیر معنی‌داری بر میزان مطالعه هستند. نتایج پژوهش نشان داد که جنسیت و تحصیلات بر میزان مطالعه افراد تأثیر قوی و مثبتی دارد. همسو با نتایج این پژوهش در مطالعات تجربی حوزه مطالعه، تأیید شده است که خواندن به تحصیلات و جنسیت وابسته است. مطالعه ۲۰ کشور نشان داد که تحصیلات رسمی مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده مهارت‌های سوادآموزی است. در ۱۷ کشور از ۲۰ کشور مورد مطالعه، تحصیلات هم اولین و هم قوی‌ترین متغیر پیش‌بین بوده است (سازمان مشارکت و توسعه اقتصادی[1]، ۲۰۰۰). این موضوع همچنین در بوردیو (۱۳۸۴) تأیید شده است که بیان می‌کند افراد تحصیل‌کرده بیشتر می‌خوانند زیرا آنها می‌خواهند خودشان را از افرادی که تحصیلات کمتری دارند متمایز کنند. دی مگیو و اوسیم[2] (۱۹۸۷) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که تحصیلات مؤثرترین عامل در مصرف کالاهای فرهنگی است. کنولست و بروک (۲۰۰۳)، عادت به استفاده از محصولات فرهنگی متعالی (و به‌ویژه مطالعه کتاب) را ناشی از چگونگی گذران اوقات فراغت در کودکی و جوانی می‌دانند و در نتیجه زمان تولد، سطح تحصیلات و جنسیت را متغیرهای مهمی ارزیابی کرده‌اند. ویرتانن[3] (۲۰۰۵) نیز در تحقیق خود نتایجی به‌دست آورده است که مؤید نظریات بوردیو است و آن اینکه مصرف فرهنگی با تحصیلات و شغل همبستگی بالایی دارد.

1. Organization for Economic Co-operation and Development
2. DiMaggio and Useem
3. Virtanen

همسو با نتایج این پژوهش، تفاوت جنسیتی در بسیاری از مطالعات از جمله بنت، امیسون و فرو[۱] (۱۹۹۹)؛ تویونن (۲۰۰۵)؛ آسن و مارسپ[۲] (۲۰۱۲) مشاهده شده است. نتایج این پژوهش همچنین با پژوهش‌های رجب‌زاده (۱۳۸۲) و توسلی و خادمیان (۱۳۸۶) که نشان دادند جنسیت عامل تأثیرگذاری بر میزان مصرف فرهنگی و مطالعه است همسو می‌باشد. مطالعات ذکر شده همچنین نشان می‌دهند که نه‌تنها زنان بیشتر از مردان می‌خوانند، بلکه کاهش در مطالعه در سال‌های اخیر در مردان بیشتر از زنان بوده است. بنابراین، به‌نظر می‌رسد که شکاف بین جنسیت عمیق بوده است و می‌توان فرض کرد که زنان بیشتر از مردان می‌خوانند. به هر حال در دو دهه گذشته شرایط تغییر کرده است، و زنان بیشتر از مردان کتاب می‌خوانند. یکی از دلایل مهم این پدیده ظاهراً این است که اوقات فراغت در میان زنان نسبت به مردان بیشتر شده است (Gershuny, 2000).

عوامل جامعه‌شناختی، متغیر مستقل مهمی بر میزان و نوع مطالعه هستند. زیرا افراد در موقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی متفاوت دارای میزان متفاوتی از اوقات فراغت هستند. برخی اوقات، این ایده حتی به این شکل بیان می‌شود: هنرهای بالا اساساً در دسترس طبقه‌های بالاتر و متوسط هستند. در هر صورت، می‌توان استدلال کرد که افرادی که متعلق به رده‌های اجتماعی بالاتر هستند و سرمایه فرهنگی بالاتری دارند، بیشتر می‌خوانند. بنابراین عوامل جامعه‌شناختی مثل سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سبک زندگی فرهنگی بر میزان و نوع مطالعه تأثیر قوی دارند. نتایج این پژوهش نیز نشان داد که سرمایه فرهنگی و ابعاد آن یعنی سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، عینیت یافته و نهادی شده، سرمایه اجتماعی اثر مستقیم بر میزان مطالعه افراد جامعه پژوهش دارند. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های دیمیترا[۳] (۲۰۱۱)، ترامونت و ویلمز[۴] (۲۰۱۰)، تارلی و استاب[۵] (۲۰۱۰) که نشان دادند عوامل جامعه‌شناختی به‌ویژه سرمایه فرهنگی بر میزان مطالعه تأثیرگذار هستند همسو است. نتایج این پژوهش همچنین با پژوهش‌های رضادوست، فاضلی، ترکارونی و کوهی رستمی (۱۳۹۰)، نوکاریزی، نارمنجی و دهقانی (۱۳۹۳) هم‌راستاست.

در این پژوهش از مفهوم سبک زندگی فرهنگی به‌عنوان متغیر میانجی بین عوامل جامعه‌شناختی و میزان مطالعه استفاده شده است. سبک‌های زندگی فرهنگی نمایانگر و خالق نمادها و معانی نمادین هستند؛

1. Bennett, Emmison and Frow
2. Uusen and Müürsepp
3.-Dimitra
4. Tramonte & Willms
5. Tarelli and Stubbe

همان کیفیتی که از زندگی بشر به‌جا می‌ماند و به نسل‌های آینده منتقل می‌شود (Peterson, 1983، نقل در خادمیان، ۱۳۸۷). اگر تکوین سبک زندگی فرهنگی را در فرآیند مصرف کالاهای فرهنگی بدانیم این بدان معناست که این سبک، پیوند نوینی میان فراغت و فرهنگ برقرار نموده است (Veal, 2001). گیبینز و بوریمر (۱۳۸۱: ۱۱۱) معتقدند که «مردم انتخاب‌هایی می‌کنند که به آنها در موقعیت فرهنگی و اجتماعی عینی‌شان معنی بدهد. بدان معنا که انتخاب‌های سبک زندگی نه به دلایل علایق شخصی، بلکه به دلیل تجارب متفاوت در تعلق داشتن به محیط‌های فرهنگی و اجتماعی عینی متفاوت خواهد بود. افرادی که در محیط‌های مشابهی رشد می‌کنند، با در نظر گرفتن پیش‌زمینه فرهنگی و اجتماعی ذائقه‌هایی متناسب با آنها می‌یابند». حال با توجه به اینکه سبک زندگی می‌تواند محصول نگرش‌ها و ایستارهای ذهنی افراد باشد، مؤلفه‌های جامعه‌شناختی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده این سبک‌ها به‌شمار می‌آیند. افراد در سبک‌های زندگی مختلف، مصارف فرهنگی از جمله خواندن و مطالعه متفاوتی دارند. اینکه ذائقه فرهنگی مولود پیش‌زمینه اجتماعی است، همان نکته‌ای است که بوردیو در تمایز برای کشف سرمایه فرهنگی از آن بهره برده است و آن اینکه پیشینه خانوادگی و مدت زمان قرار گرفتن افراد در معرض آثار فرهنگی تا چه حد بر سبک زندگی آنان مؤثر است و تا چه اندازه بر انتخاب‌های فرهنگی و اساساً بر داوری زیبایی‌شناختی آنها تأثیر می‌گذارد (بوردیو، ۱۳۸۰).

نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه فرهنگی و اجتماعی و تحصیلات از طریق متغیر میانجی سبک زندگی فرهنگی بر میزان مطالعه اثر معنی‌داری دارند؛ و از طرفی دو متغیر جنسیت و سرمایه اقتصادی با میانجی‌گری سبک زندگی فرهنگی تأثیری بر میزان مطالعه افراد جامعه پژوهش ندارند؛ و این دو متغیر تنها به‌صورت مستقیم بر روی میزان مطالعه افراد اثرگذار هستند. بوردیو که توجه ویژه به مصرف کالاهای فرهنگی می‌نمود، در سبک‌های زندگی فرهنگی «والا»، «میان‌مایه» و «عامی» خود که به نسبت مصرف کالاهای فرهنگی متعالی (کتاب‌ها و موسیقی سطح بالا و بازدید از موزه‌ها و تئاتر) و کالاهای فرهنگی در سطوح پایین‌تر بدان دست یافته بود، نوع و میزان مصارف فرهنگی را متأثر از سه عنصر پیشینه خانوادگی، تحصیلات و سرمایه فرهنگی می‌داند. این بدین معنی است که افرادی که سبک‌های زندگی فرهنگی متعالی‌تری دارند میزان و نوع منابع مصرفی آنها از سایر سبک‌های زندگی فرهنگی بیشتر و متعالی‌تر است. فرضیه‌ای که در این پژوهش نیز تأیید شد. افرادی که سبک‌های زندگی فرهنگی متعالی‌تری دارند اقبال بیشتری به سمت مطالعه و خواندن دارند.

همسو با نتایج این پژوهش در خارج از کشور، جانسون[1] (۲۰۰۵) و لارستین[2] (۲۰۱۴) نیز نشان دادند که سبک زندگی، میزان و نوع مصرف فرهنگی از جمله مصرف منابع اطلاعاتی و مطالعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین خادمیان (۱۳۸۵) و غیاثوند (۱۳۹۰) سبک‌های مصرف کتاب در شهر تهران را مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که عوامل جامعه‌شناختی، تعیین‌کننده سبک‌های زندگی فرهنگی هستند که افراد در سبک‌های زندگی فرهنگی متفاوت میزان متفاوتی از مصارف فرهنگی از جمله مطالعه و کتاب‌خوانی دارند.

به‌طور کلی می‌توان گفت، فرایندهای جهانی شدن و فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی منجر به تغییرات جامعه و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی شده است. لذا خواندن تنها توسط عوامل روانشناختی و آموزشی تبیین نمی‌شود، بلکه عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز بر روی آن تأثیرگذار هستند. عوامل جامعه‌شناختی به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده مؤثر بر خواندن، توسط پژوهشگران بسیاری مورد توجه قرار گرفته است (Griswold, McDonnell and Wright, 2005; Sullivan, 2001; Ruddell, 2005). که در این پژوهش نیز این عوامل مورد بررسی قرار گرفتند و نشان داده شده که عوامل جامعه‌شناختی به‌شدت میزان مطالعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مطالعه بیش از آنکه عملی فردی باشد، فرایندی اجتماعی است. این کنش اجتماعی متأثر از عوامل مختلف زمینه‌ای و اجتماعی است که برای ترویج مطالعه بایستی این عوامل را در نظر گرفت. توضیح مطالعه از نگاه جامعه‌شناختی نه‌تنها عوامل اجتماعی که مطالعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند روشن می‌سازد، بلکه مطالعه را به‌عنوان شکل خاصی از تعامل اجتماعی و سرمایه فرهنگی به‌صورت جامع‌تری تحلیل می‌کند.

پیشنهادهای پژوهش

۱- نتایج این پژوهش نشان داد که سرمایه فرهنگی عامل مؤثری بر میزان و نوع مطالعه است. از آنجا که سرمایه فرهنگی به‌صورت بین نسلی منتقل می‌شود و فرزندان خانواده‌هایی که مصرف‌کننده فعال بخش فرهنگ هستند، بیش از بقیه کودکان، مستعد انباشتن سرمایه فرهنگی هستند، لذا پیشنهاد می‌شود نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور که متولی امر مطالعه در کشور است برای ترویج مطالعه برنامه‌ریزی‌های منسجمی در حوزه خانه و خانواده انجام دهد.

---

1. Johnson
2. Lauristin

۲- نتایج این پژوهش نشان داد که سرمایه فرهنگی افراد جامعه پژوهش در حد مطلوبی قرار ندارد. یکی از دلایل مهم پایین بودن میزان مطالعه جامعه پژوهش سرمایه فرهنگی افراد است. بنابراین پیشنهاد می‌شود دولت برای ترویج مطالعه در جامعه سطح، میزان و کیفیت سرمایه فرهنگی افراد جامعه را از طریق کتابخانه‌های عمومی، رسانه‌ها و آموزش‌های مختلف بالا برد.

۳- یکی از یافته‌های این پژوهش ارتباط سرمایه اجتماعی و مطالعه است. در این راستا پیشنهاد می‌شود نظام آموزشی با تأکید بر مطالعه و اهمیت آن در پیشرفت فردی و اجتماعی و روش‌های صحیح درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به مطالعه در بسترسازی و برنامه‌ریزی در این حوزه مغفول در نظام آموزشی اهتمام نماید.

۴- با توجه به تأثیر سرمایه اجتماعی و تحصیلات بر میزان و نوع مطالعه، یکی از چالش‌های فرهنگ مطالعه در کافی نبودن توجه به آموزش جدی در خانواده و مدرسه بر مهارت‌های خواندن و درک مطلب است. نگاه ابزاری و فضای رقابتی در آموزش عمومی، با اتکای زیاد به ارزیابی دانش آموزان به شیوه‌های غیرابزاری و غیرفردی کمکی به نهادینه کردن و تقویت مهارت‌های مطالعه در بین فارغ‌التحصیلان نکرده و از علاقه آنها به مطالعه می‌کاهد. لذا پیشنهاد می‌شود تغییرات بنیادی و برنامه‌ریزی‌های جامعی در نظام آموزشی خانواده و مدرسه برای توسعه مطالعه صورت گیرد.

کتابنامه

ارشدی، نسرین (۱۳۸۶). *طراحی و آزمون الگویی از پیشایندها و پیامدهای مهم انگیزش شغلی در کارکنان شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز.

بوردیو، پی یر (۱۳۸۰). نظریه کنش (ترجمه مرتضی مردی‌ها). تهران: نقش و نگار.

توسلی، غلامعباس؛ خادمیان، طلیعه (۱۳۸۶). نقش جنسیت در مصرف کالاهای فرهنگی. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، ۱ (۴)، ۵۱-۶۴.

خادمیان، طلیعه (۱۳۸۷). *سبک زندگی و مصرف فرهنگی: مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان*، تهران: نشر جهان کتاب.

رجب‌زاده، احمد (۱۳۸۲). فعالیت فرهنگی زنان ایرانی: مطالعه کتاب و نشریه. *پژوهش زنان*، ۱ (۵)، ۱۶۶-۱۴۹.

رفتارهای فرهنگی ایرانیان (۱۳۸۲). *یافته‌های طرح پژوهشی فعالیت و مصرف کالای فرهنگی ایران*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۳). *سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی*. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.

رضادوست، کریم؛ فاضلی، عبدالله؛ پور ترکارونی، محمد و کوهی رستمی؛ منصور (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی والدین و میزان استفاده افراد از منابع و خدمات کتابخانه‌ای در بین اعضای کتابخانه‌های عمومی شهرستان اهواز. *مجله مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*. ۳ (۱۸)، ۱۲۱-۱۴۲.

ریتزر، جورج (۱۳۷۷) .*نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۶). *روش تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگاه.

سیدمن، استیون (۱۳۸۶). *کشاکش آرا در جامعه شناسی* (ترجمه هادی جلیلی). تهران: نشر نی.

شورای فرهنگ عمومی (۱۳۹۱). *موج چهارم طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی*. تهران: شورای فرهنگ عمومی.

غیاثوند، احمد (۱۳۹۰). مصرف کتاب در سبک زندگی شهروندان تهرانی. *فصلنامه تحلیلی پژوهشی کتاب مهر*، ۲، ۷۰-۹۱.

فتاحی، رحمت الله (۱۳۹۴). *باور به ارزشمندی خواندن: از نگاه فلسفی تا چالش در فهم ارزشمندی خواندن برای زندگی بهتر. مجموعه مقالات اولین همایش ملی خواندن*. (۵۰-۵۹). سنندج، دانشگاه کردستان.

گیبینز، جان آر و بوریمر، ال. (۱۳۸۱)، *سیاست پست مدرنیته*. ترجمه منصور انصاری، تهران، گام نو.

محبوب، سیامک (۱۳۹۱). کتابخانه‌های عمومی و سرانه مطالعه. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*. ۱۸ (۱)، ۱۱۷-۱۳۳.

محمدی، جمال؛ ودادهیر؛ ابوعلی، محمدی، فردین (۱۳۹۱). مناسبات سرمایه فرهنگی و سبک زندگی: پیمایشی در میان شهروندان طبقه متوسط شهر سنندج. *جامعه‌شناسی ایران*. ۱۳ (۴)، ۱-۲۳.

نوکاریزی، محسن؛ نارمنجی، مهدی و دهقانی، کلثوم (۱۳۹۳). ارتباط بین سرمایه فرهنگی والدین و میزان استفاده فرزندان از مواد کتابخانه‌ای کتابخانه‌های عمومی استان خراسان جنوبی. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۲۰ (۲)، ۳۴۹-۳۷۰

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴). *مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل*. تهران. انتشارات سمت.

Bennett, T, Emmison, M., Frow, J. (1999) *Accounting for Tastes: Australian Everyday Cultures.* Cambridge University Press: Cambridge.

DiMaggio, B., Useem, M. (1978). Social Class and arts Consumption. *Theory and Society*, 5 (2), 141-161.

Dimitra, H. (2011). Families, social backgrounds matter: socio-economic factors, home learning and young children's language, literacy and social outcomes. *British Educational Research Journal*, 37 (6), 893- 914.

Gershuny, j. (2000). *Changing Times: work and leisure in postindustrial society*. Oxford University Press, Oxford.

Griswold, W., McDonnell, T., Wright, N. (2005). Reading and the Reader Class in the twenty- first century. *Annual Review of Sociology*, 31, 127–41.

Johnson, L. (2005). *Valuing the Arts: Theorizing and Realizing Cultural*. School of History, Heritage and Society, Deakin University, Geelong, Victoria 3217, Australia. www.sagepub.com.

Knulst, W., Kraaykamp, G. (1998). Trends in leisure reading: frothy years of research on reading in the Netherlands. *Poetics*, 26, 21-41.

Knulst, W., Broek, A. (2003). The readership of the books in times of de-reading, *poetics* 31, 213-233.

Lauristin, M. (2014). *Reading as lifestyle*. In Reading in changing society Edited by Marju Lauristin and Peeter Vihalemm. University of Tartu.

OECD Stat. Can. 2000. *Literacy in the Information Age: Final Report of the International Adult Literacy Survey*. Paris/Ottawa: OECD Stat. Can.

Ruddell, R. (2005). *Teaching children to read and write: Becoming an effective literacy teacher*. Boston: Allen & Bacon.

Sullivan, A. (2001). *Cultural Capital and Educational Attainment*. Sociology, 35 (4). Pp. 893-912.

Tarelli, I., & Stubbe, T. C. (2010). Home literacy environment and reading achievement: A model for determining the relationship between socioeconomic status, home literacy environment and reading achievement. *Paper presented at 4th International Research Congress of IEA*.

Toivonen, T. (2004) "Have you read any books for other purposes than studies or work in the last 12 months?" On book-reading in 15 258EU-countries. In: *National, European, and Global. Research Seminars of Economic Sociology 2004*, ed. by Timo Toivonen – Leena Haanpää – Taru Virtanen, 201–228. Discussions and Working Papers 2:2005. Turku School of Economics: Turku.

Tramonte, L., Willms, J. D. (2010). Cultural capital and its effects on education outcomes. *Economic of Education Review*, (4) 29, 200-213.

Uusen, A., Muursepp, M. (2012) Gender differences in reading habits among boys and girls of basic school in Estonia. *Social and behavioral sciences*, 69, 1795- 1804.

Veal, A. (2001) leisure, culture and life style. *Poetics* 26(1):21–41.

Virtanen, T. (2005b) *Dimensions of Taste for Cultural Consumption – A Cross-cultural Study on Young Europeans*. In: Proceedings of the 8th AIMAC Conference, Montreal, July 3–6.

Warde, A., Southerton, D., Olsen, W., Shu-Li, C. (2004). *The changing organization of everyday life in UK: evidence from time use surveys 1975- 2000*. Paper presented in ESA sociology of consumption workshop. Copenhagen, August 26-28.